



در تدارک شرکت بر مزار جمهوری اسلامی!

ثریا شهابی

حکمتیست
هفتگی
۲۲۱

۱۳ اوت ۲۰۱۸ - ۲۲ مرداد ۱۳۹۷
دوشنبه ها منتشر میشود

اوضاع خطیر کنونی و وظایف حکمتیست ها در ایران

کمیته رهبری حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست (خط رسمی)

رفقای عزیز!

جنبش اعتراضی محرومان جامعه و مردم آزادیخواه برای رفاه، آزادی و علیه بی عدالتی و استبداد، در امتداد شورش دیماه، یک بار دیگر به میدان آمده است. این جنبش یک بار دیگر صورت مسئله خود یعنی خواست سرنگونی جمهوری اسلامی به عنوان تنها راه تامین رفاه و بهبود و امنیت را، در مقابل جامعه قرار داده است.

تلاشی همه جانبه از هر طرف چه موافقین و چه مخالفین این جنبش، برای پیروزی یا شکست آن در جریان است. این جدال در نهایت جدال دو صف متخاصم، صف بورژوازی ایران و همه احزاب آن در حاکمیت و یا در اپوزیسیون، علیه صف طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی این طبقه است. سرنگونی جمهوری اسلامی امروز تنها خواست کارگران و کمونیستها نیست، بلکه در صف مقابل نیز، کم نیستند نیروها و گروهها و جریاناتی که تلاش میکنند جمهوری اسلامی کنار برود تا کل دستگاه و سیستم بردگی بورژوازی حفظ شود، زیرا این را تنها راه حفظ نظام سرمایه داری و عقب راندن استثمار شدگان و شکست آنها میدانند. سرنگونی برای ما در مقابل همه راه حل‌های این سرنگونی طلب‌های بورژوا و مرتجع به شیوه ای است که در این پروسه بیشترین امکان و بهترین شرایط برای انقلاب کارگری فراهم شود. ... صفحه ۴

پرواز است و از طرف دیگر خزانه اقلیتی انگلی پشت به قدرت حاکم، هرروز از روز قبل لبریز تر میشود. این شرایط جامعه را در اعماق، به التهاب و تلاطمی بر سر زیر کشیدن جمهوری اسلامی، بعنوان عامل فقر و محرومیت شهروندان، و بر سر چگونگی به زیر کشیدن آن و آینده بعد از جمهوری اسلامی، کشانده است.

فاز به سازش کشاندن مردم معترض با حاکمیت، تحمیل عقب نشینی به محکومین و فرصت "تمرین" نسخه های جدید "اصلاحات و تغییر از بالا" به جمهوری اسلامی، ... ←

جنبشی معینی را دنبال میکند. یکی برای به تسلیم کشاندن حکومت شوندگان در مقابل حکومت کنندگان، و دیگری برای شرکت در قمار "رژیم چینج" و آزمودن شانس خود، واقعیت را واژگونه نشان میدهند.

در این که هر انسان آزاده ای باید مخالف تحریم اقتصادی باشد که هیولای فقر و گرانی و بیکاری را بر فراز سر میلیونها نفر در پرواز نگاه میدارد، تردیدی نیست. اما مشکل اقتصاد ایران، نه تحریم و مقام معظم ولایت فقیه، که خود سرمایه است.

بی تردید افزایش تحریم اقتصادی، تورم و بیکاری افسار گسیخته تر، فشار خردکننده ای بر محرومین وارد کرده است و همزمان خوان گسترده تری برای اختلاس و دزدی و ثروت اندوزی نجومی و سیستماتیک برای اقلیت و طبقه ای که نمایندگانشان در قدرت اند، پهن کرده است! از یک طرف سیر سقوط سریع طبقه متوسط بزرگ ایران به موقعیت فقرا و محرومین، جریان دارد و هیولای گرسنگی و بی آبی و بی دارویی بیشتر، بر فراز سر دهها میلیون نفر در سراسر ایران در

جمهوری اسلامی ایران زیر فشار اعتراض محرومان به بن بست رسیده است! جهانی شاهد آغاز دوردیگری از بحران سرنگونی، نه فقط بالقوه که بالفعل، است! سیر سرنگونی که نیروی دخالتگر آن صف میلیونی محرومان جامعه است که از پس از خیزش دیماه برای نان، رفاه و آزادی به میدان آمد و سوت آغاز دور دیگری از سرنگونی جمهوری اسلامی را به صدا درآوردند. در این شرایط و چهار ماه پس از خیزش دیماه است که ترامپ (هیئت حاکمه آمریکا) در جدال با رقبای جهانی، اقتصادی، سیاسی و نظامی، در جدال با

چین و اروپا و روسیه، کیس برجام و ایران را "بازچه گوشمالی دادن حریفان" * میکند، بدون اینکه پروژه "رژیم چینج" ای در دستور کار او باشد، در این شرایط است که دور دیگری از تحریم های اقتصادی علیه ایران آغاز میشود. این رابطه "ترامپیسیم" با تحولات جاری و بحران سرنگونی در ایران است. ترامپ و ترامپیسیم نه عامل این بحران که حاشیه و پارازیت آن است. وارونه نشان دادن این واقعیت توسط جریانات سیاسی در درون و بیرون حاکمیت، منافع سیاسی

**پیرامون حمله
نیروهای
جمهوری
اسلامی به یک
واحد از
پیشمرگان حزب
دمکرات
کردستان ایران**
اطلاعیه دفتر کردستان
حزب حکمتیست
(خط رسمی) ص ۳

آزادی
برابری
حکومت کارگری

در تدارک ...

مورد تعرض قرار گرفته بود! توانستند آن ضربه سرنوشت ساز به نظام سرمایه را به کمک دوستان روز آقای ترامپ، توسط بورژوازی غرب، آمریکا و اروپا، "بازسازی" کنند! توانستند دستگاه سیاسی حاکمیت، دولت و پلیس را با زندان ها و شکنجه گاهها و مجلس ... بازسازی کنند! توانستند با "خراطی" یک حکومت قرون وسطایی در کریدور و اطاق های فکری بورژوازی "متمدن" غرب، نمایندگان جدید سرمایه را جایگزین نماینده قبلی کنند و به یک جامعه "انقلاب زده" تحمیل کنند.

پس از انقلاب ۵۷، بورژوازی ایران و نظام اقتصادی، ساختار سیاسی را به ارث برد که هرگز قادر نبود که به خود و نظام خود، بعنوان یک پدیده بلند مدت، ماندگار و با آینده، نگاه کند! روبنای حکومتی و سیاسی قرون وسطایی با نمایندگان جدید به قدرت رسیده آن، قرار بود موقتی و "خدمه" ساختن پلی بر ویرانه های انقلاب باشند، طبق حداقل

"نقشه راه" بورژوازی غرب، که عبارت بود از جلوگیری از خطر رشد چپ و کمونیسم و با سرکوب آن، برقرار بود ارا به نظام را "به سلامت" به مقصد برسانند! تا در گرگهائی، در غیاب دخالت پایین، با کودتا داخلی یا خارجی یا "رژیم چینج"، آن را جایگزین یک حکومت با ثبات و "امروز" کنند. از پیش معلوم بود که این سناریو که طبق "نقشه راه" پیش نخواهد رفت! معلوم بود که "استحاله" رژیم یا "رژیم چینج" در ایران بسیار دشوار است! چهل سال جدال دایم سه نسل یا حاکمیت، خطر به میدان آمدن پایین، چنین

تماما سپری شده است. فاز از میدان بدر شدن همه طیف های نان به نرخ روز خور توده - اکثریت، دگراندیشان دستگاهی و "لم دادگان" و "سلبرتی" الیتی است که عمری پشت به اختناق، اعتراضات مردم را خشونت میخواندند و هرروز بدنبال کشف نوع جدیدی از اسلام و جمهوری اسلامی ایران بودند! فاز مهر باطل خوردن به پیشانی ولتر های اسلامی و زیباکلام ها و نگهدارها و خانم های فمینیست اسلامی، این علف هرزهای خوش رشد میدان اختناق است.

این دور، دور عقب نشینی، و عقب نشینی های تعیین کننده، حاکمیت در ایران، فاز عقب نشینی در مقابل محرومین و محکومینی است که در صف میلیونی چشم در چشمان قدرت حاکم به جنگ شان آمده اند. سوال این است که آیا شانسی عقب نشینی برای حاکمین وجود دارد! یا پل های پشت سر شان تماما تخریب شده است!

"معطل" نظام!

بن بست و بحران اقتصادی جمهوری اسلامی، امروز به اوج خود رسیده است. ریشه این بحران و این بن بست، نه آمریکا و ترامپ است و نه "پرنس" عربستان سعودی و نه رژیم اشغالگر و صهیونیستی اسرائیل و نه تحریم های این دوره! جمهوری اسلامی ایران با این بحران متولد شد و می رود که با این بحران هم به زندگی اش پایان داده شود.

ریشه این بحران انقلاب ۵۷ است و مشکلات احیا و بازسازی یک نظام سراپا آسیب دیده سرمایه، که با یک انقلاب و قیام مسلحانه توده ای

از فرهنگ سوخت و ساز بورژوازی همه جهان و در همه مقاطع تاریخی است. اما بورژوازی و طبقه ای که هرروز نگران ساقط شدن است و در هر "دم و باز دم" سیاسی به همه اعلام میکند که بقا نظام مهم است و نظام باقی ماند و سرپا است و هنوز زنده است و خیال دارد که زنده بماند، با سنت بورژوازی که تاریخا در جوامع "با ثبات" نسبی سوخت و ساز کرده است، متفاوت است. از نقطه نظر منافع خود بورژوازی، فاقد افق و دورنمای در قدرت بودن برای سده ها و دهه های آینده، است. امکانات بورژوازی که طبقه کارگر را با مکانیسم های دیگری جز اختناق و سرکوب مستقیم، قرنها مهار کرده است، را ندارد. بورژوازی که هرروز خطر سرنگونی و تلاشی نظام را احساس نمی کند، به منافع دراز مدت خود و طبقه اش پاسخ میدهد! از محیط زیست تا بقا طبقه کارگری، طبقه ای که قرار است زنده بماند تا دهه ها و سده ها بتواند برای فروش کار وارد بازار شود، را میتواند در دستور کار بگذارد! بورژوازی ایران و نظام سرمایه در ایران استطاعت و "دوراندیشی"، حتی در حفظ منافع طبقاتی خود را ندارد. این را انقلابات پی در پی و بخصوص انقلاب ۵۷ به آن تحمیل کرده است و همواره زمین زیر پایش را لزان نگاه داشته است. بورژوازی و سرمایه در ایران از انقلاب ۵۷ به بعد، و حتی با سرکوب خونین آن و به شکست کشاندن آرمانهای آن، هرگز حتی یک روز هم فارغ از خطر عروج دشمن طبقاتی اش، خطر تعرض طبقه کارگر و جنبش محرومین، زیست نکرده است. اگر سوسیالیسم در ایران شانس

دارد و چپ و کمونیسم در آن قوی است از این رو است. بورژوازی تازه به دوران رسیده و سریع و نجومی فریه شده ایران، که هشتاد درصد سوخت و سازش با دزدی و اختلاس و فساد و باندبازی و .. صورت گرفته و فریه شده است، بطور مادی و ابژکتیو قادر به آن دوراندیشی و آینده نگری که بورژوازی مثلا انگلستان و فرانسه دارد، نیست! انتظار این دوراندیشی و آینده نگری، که بخشی از روشنفکران بورژوا از آن بعنوان "مدیریت بد" در مقابل "مدیریت خود" بنام میبرند، به قواره طبقه سرمایه دار و بورژوازی ایران، گشاد است! پلمیک های سطحی و آکادمیکی چون مشکلات نیولیبرالیسم در اقتصاد ایران و خراب کردن بار این وضعیت بر دوش گویا چرخش از اقتصاد دولتی به نیولیبرالیسم و باز گذاشتن دست بخش خصوصی، حاشیه ای تر از آن است که جدی گرفته شود. بخش خصوصی که قرار بود چاق تر شود، در ایران در هم تنیده تر از آن است که از بخش دولتی منفک باشد. فساد، دزدی، اختلاس در ایران جز انتگره نظام و فرهنگ و سنت و تاریخ طبقه حاکم و نمایندگان شان در قدرت است. بدون آن امکان بقا و حفظ نظام شان ممکن نبود و ممکن نیست. اقتصاد سرمایه در ایران، با تولید انبوهی از ثروت افسانه ای، و تحمیل فقر و بیکاری و محرومیت، با اختلاس و دزدی و فساد و "پول شویی" و ... زنده است! به این شکل توانست در حاشیه اقتصاد جهانی، بعنوان یک نظام سرمایه داری، به عمر خود ادامه دهد، برجام، در این مقطع، برای بورژوازی ایران، ...



پیرامون حمله نیروهای جمهوری اسلامی بی یک واحد از پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست

(خط رسمی)

در یک حمله درندانه نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در منطقه مرزی شمال کردستان، یک واحد از پیشمرگان حزب دمکرات ایران جان باخته اند. در شرایطی که از دیماه ۹۶

هیچگونه پیروزی به حساب نمی آید. اما هم چنانکه بارها گفته ایم در شرایط کنونی، رویارویی نظامی ولو تلفاتی به نسیروی دشمن وارد کند، به جمهوری اسلامی بهانه می دهد که هم فضای جامعه را ملیتاریزه کرده و هم سرکوب فعالین سیاسی و رهبران جنبش های اعتراضی را تشدید نموده و آنها را مورد اتهام و تعقیب و آزار قرار دهد. سیاست جدید "راسان" حزب دمکرات کردستان ایران با هر

هدفی اعلام شده باشد، تا کنون جز تحمل تلفات سنگین جانی پیشمرگان خود، نفعی عاید جنبش توده های مردم برای سرنگونی نکرده و نمی کند. اما درعوض، رژیم سرکوبگری نظامی را بعنوان پیروزی خود در خدمت تقویت روحیه نیروهای نظامی و امنیتی اش و ایجاد فضای رعب و ترس در جامعه، مورد استفاده قرار می دهد. ما ضمن تسلیت به خانواده و بستگان پیشمرگان جانباخته،

حزب دمکرات کردستان ایران را از مانورهای نظامی - تبلیغاتی بی تاثیر و مضر به قیمت جان نیروهای خود برحذر داشته و می خواهیم از اجرای سیاستی که به جنبش انقلابی مردم زحمتکش زیان می رساند خودداری کند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست
(خط رسمی)

۲۱ مرداد ۹۷ (۱۲ اوت ۲۰۱۸)

قرار بود پایان "نقشه راه" و شروع عبور دادن نظام سرمایه از "پل" گذاری باشد که جمهوری اسلامی ایران چهل سال قبل برای عبور دادن گاری ضربه خورده نظام از این پل به قدرت رسید. برجام قرار بود فاز جدید حفظ نظام سرمایه، این بار بعنوان یکی از اعضا بازگشته به کلپ بورژوازی جهانی باشد! با این تفاوت که چهل سال بعد، برجام در آغوش اولیایی جهانی، بورژوازی غرب، چشم به جهان گشود که خود تا مغز استخوان در باطابق بحران و بی آینده گی و گنبدگی دست و پا میزند! نه اقتصاد بورژوازی غرب امکانات و مدل رشد و توسعه چهل سال قبل را دارد، و نه وراث نمایندگان بورژوازی ایران بر ساحل آرامی تکیه دارند. آن انقلاب سرکوب و به شکست کشیده شد! اما روانشناسی آن، خود آگاهی طبقاتی و آنتی کاپیتالیسمی که در جامعه، و در میان طبقه کارگر بزرگ و وسیع میلیونی آن دم و بازدم میکند، در میان جوانان رشد میکند، همیشه این ساحل را بسیار ناآرام و طوفانی نگاه داشته است. انقلاب ۵۷ شکست خورد و انقلابیون قتل عام شدند! اما میراث آن بر دوش نسل های بعدی، با احترام و درس آموزی حمل میشود.

از پیش روشن بود که با بی برجام اقتصاد ایران راه برون رفت ندارد! اگر دهه های قبل با فرض تماما به سکوت و تسلیم کشاندن محکومین، میتوانست فرصتی برای تغییر ساختار سیاسی، مثلا با کودتا ها و "رژیم چیچ" ها و .. فراهم شود، آن فرصت تماما از دست رفته است. پل های پشت سر تماما خراب شده است.

"آرزوی های بریاد رفته!"

"اصلاحات" آنها با شکست همه ستاره های اصلاحات، از خانمی و موسوی تا روحانی و کمپ اصلاح طلبان، امروز در دامان مقام معظم است! کسی که مستقیما باران نفرت و انزجار محکومین، از تمام روزه های جامعه، مستقیما بر سرایشان فرو میریزد! اما کدام اصلاحات، سیاسی یا اقتصادی!

اگر تولید اراجیفی چون گفتگوی تمدن ها خاتمی و حقوق شهروندی روحانی، در شرایطی میتوانست فضای رسانه های دولتی خودشان را پر کنند، امروز اعتراف به ساقط شدن، فروپاشیدن و ... جای آن ترهات را در همان رسانه های دستگاهی شان گرفته است. حنای اصلاحات سیاسی حتی در میان خودشان هم امروز

رنگی ندارد. "اصلاحات" اقتصادی، که فرمان آن را خامنه ای با صدور حکم برخورد قاطع و سریع با اخلاص گران و مفسدان اقتصادی، به صادق لایجانی داده است، میتواند آغاز یک عملیات انتحاری باشد تا کودتا داخلی، حتی به قیمت اعدام چند صد نفر از یاران شان! این راه حل شاید در شرایطی، به شرط سکوت پایین، میتوانست شانس امتحان کردن پیدا کند. امروز بازی با آتش است. کدام اختلاس گر و کجای سرقه را میتوان مهار کرد! اعدام و دستگیری چند صد نفر از اختلاس گران بخش خصوصی را مگر میتوان در همان سطح نگاه داشت! اختلاس و فساد، جز انتگره نظام سرمایه در ایران و فرهنگ بورژوازی حاکم برای بقا است! در اولین فرصت مردم حساب های همه سران سپاه و بیت خامنه ای و تک تک مقامات، را بر سرشان خراب میکنند. این بازی آنجایی که مقام معظم دلش میخواهد متوقف نمی شود. این را خودشان بهتر از هر کسی میدانند. سرقه ارز و پول و طلا و اختلاس، فساد در سیستم بانگی و واردتی و حسابرسی منابعی که صرف بقا نظام در تحرکات منطقه ای شده است و خرج حزب الله و

دستجات مسلح شیعه متکی به ایران و ... را مگر میتوان در حاشیه نگاه داشت! فرمان خامنه ای، مبارزه درونی علیه فساد اقتصادی، نه اصلاحات که عملیات انتحاری مقام معظم و نظام شان است! "اصلاحات" دیگر، تلاش برای سازش با غرب است. اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم، که روحانی اعلام و مجلس تصویب کرده است، این یک عقب نشینی در مقابل ترامپ است به امید باز شدن دریچه نجات اقتصادی از طرف اروپا! این هم آخرین سنگر "اصلاحات" شان است. اقتصاد و سیاست و موقعیت ایران برای قدرت های اقتصادی در غرب، نه اصل که بهانه و ابزار حل و فصل رقابت های داخلی شان بر سر مدیریت جهان چند قطبی است! اگر از آن آسیبی به جامعه ایران نرسد، آبی برای نجات جمهوری اسلامی گرم نخواهد شد! بعلاوه برای "نجات" اقتصاد ایران، حتی داعیه کاهش و کنترل منابع پروایران در منطقه اختصاص داده اند، توپ خانه تعرض مردم به تحرکات منطقه این و سپاه و بسیج و ... را پزتر میکند. این سنگر خاکریزه ای بیش، که بر سرشان خراب خواهد شد، نیست. اما مگر

* "برجام" بازیچه گوشمالی دادن حریفان"

<http://hekmatist.com/2018/komonist-228-etelaye-hazb-xoroj-amrika-az-barjam.html>

۱۲ اوت ۲۰۱۸

مرکز بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

شماره هکت

حزب حکمتیست (خارسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

اهداف خود در جامعه است. این مهمترین وظیفه ما در اوضاع خطیر امروز است.

کمیته رهبری حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی) مرداد ۱۳۹۷ - اوت ۲۰۱۸

حکمتیست را
توزیع و
پخش کنید

دیگر نماینده استقلال طبقاتی طبقه کارگر، نماینده آزادیخواهی، برابری طلبی و سعادت اکثریت جامعه است. پیوستن به این حزب تقویت این صف و این آرمان و تضمین حضور قدرتمند کمونیسم در تحولات آتی جامعه است.

باید معلوم باشد هر جا حکمتیستها هستند مردم آزادیخواه، کارگر و زحمتکش و زن و جوان برابری طلب همدل و همزبان و متحدند. این همه ویژگی و خصلت کمونیسم اجتماعی ما است. امر ما، سازمان دادن و متحد کردن و نیرو جمع کردن حول افق و

ساختن سازمان حزب در ایران، کار متشکل و سازمان یافته حزب و تشکیل محافل و جمع حکمتیستها به شیوه ای طبیعی و با رعایت همه موازین امنیتی و سازمانی، یک نیاز جدی و فوری است. دخالتگری ما در اوضاع کنونی و تاثیر گذاری در جدالی که در جریان است، بدون وسعت دادن به سازمان حزب و دخالتگری متحزب ما ممکن نیست.

رفقای عزیز!

تشکیل هر جمعی از حکمتیستها در هر مرکز کارگری، در هر محله و در میان هر بخشی از محرومین جامعه باید بازتاب اجتماعی آن ایجاد اتحاد در میان کارگران آن مرکز و مردم زحمتکش محله، در میان زنان و جوانان و معلم ... باشد. هر جا حکمتیست ها هستند و حضور دارند و خصوصا حضور متحزب دارند، باید روی زمین واقعی تاثیرات اجتماعی آن مشهود باشد. ما باید نه تنها منشا خود آگاهی برای کارگران و استعمار شدگان باشیم بعلاوه و مهمتر لولای اتحاد آنها باشیم. باید روی زمین سفت صف محرومین را متحد کنیم، همسرنوشتی و رفاقت و دوستی را در میان آنها تقویت کنیم. باید منشا شکل گیری انواع نهادهای بزرگ اجتماعی شویم.

باید بهترین، انقلابی ترین، معتبر ترین و بانفوذترین فعالین آن محل را به کار کمونیستی و پیوستن به حزب دعوت کنیم. حزب ما تنها ظرف متحد و متحزب کردن کمونیستهایی است که در مقابل همه جنبشها و احزاب

را در دست هم گذاشت، تنها زمانی ممکن است که در جدال امروز مردم آزادیخواه ایران در همه جا از مراکز کارگری و اعتراض و مبارزه طبقه کارگر تا محلات زحمتکش نشین و مراکز تحصیلی و...، تا اعتراض و تظاهراتهای مختلف در خیابان، نه تنها دخالت نقشه مند و هوشیارانه کرد، بلکه و بعلاوه شبکه وسیعی از هوشیارترین و معتبر ترین انسانهای عدالتخواه و با نفوذ اجتماعی و برابری طلب را به هم وصل کرد و با هم متحد کرد.

حکمتیستها در همه جا ضمن حضور اجتماعی و دخالتگری جدی در اوضاع کنونی، باید خود مبشر بیشترین اتحاد، در میان کمونیستهای ایران در محیط های کارگری، در محلات زحمتکش نشین، در میان معلم و پرستار، در دانشگاه و در جنبش حق زن و... باشند. دخالت هدفمند در مبارزات جاری و تامین موفقیت در آن بدون اتکا به حکمتیستهای متشکل و با نفوذ و متکی به شبکه ای از خوشنام ترین و با نفوذ ترین روشن ترین و رایکالتترین فعالین عرصه های مختلف مبارزه ممکن نیست. ما باید دست همه کمونیستها و آزادیخواهان را در دست هم بگذاریم تلاش کنیم به لولای اتحاد آنها، در دل یک مبارزه واقعی و اجتماعی، تبدیل شویم.

ضروری است هر جا و هر جمع و تک فردی که خود را حکمتیست میدانید و عضو و فعال و کادر و... این حزب هستید، متشکل شوید.

اوضاع خطیر کنونی ...

اما سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی که مهر طبقه کارگر و کمونیست او را بر خود داشته باشد، تنها زمانی ممکن است که در کل این دوره ما کمونیستها بتوانیم طبقه کارگر و صف محرومان جامعه و همه مردم عدالتخواه را از تند پیچ های یک دوره حساس، موفیق عبور دهیم و نیرو خود را جمع کنیم و شرایط پیروزی برای قیام توده ای و سرنگونی جمهوری اسلامی را فراهم کنیم.

رفقای عزیز!

همگی بر این واقعیت واقفیم که پیروزی جنبش محرومین جامعه، پیروزی جنبش استعمار شدگان برای رهایی و دستیابی به جامعه ای انسانی و سرنگونی جمهوری اسلامی به عنوان اولین قدم آن، احتیاج به دخالت جدی و سازمان یافته و نقشه مند کمونیستها و مشخصا حزب ما و همه فعالین و دوستان این حزب دارد.

برای پیروزی این جنبش باید هوشیارانه و نقشه مند کار کرد و نیروی تامین این پیروزی را برای یک جنگ واقعی متحد و سازمان داد. این امر مهم بر دوش همه کمونیستهای ایران و به روشنی بر دوش حزب ما و همه فعالین و اعضا و کادرهای آن است.

رفقای عزیز!

دخالت هوشیارانه ما و ساختن پایه ها و ستونهای ساختمانی که بتوان طبقه کارگر و محرومین و مردم آزادیخواه را با اتکا به آن و روی آن متحد کرد و سازمان داد و دست آنها